

پنځمه گنه - د ۱۳۸۶ کال - د لړم میاشت، او د عیسوی ۲۰۰۷ کال نوامبر میاشت

همایش بزرگ و مشترک نیروهای ملی، دموکرات و ترقی خواه افغانستان در شهر کابل

بتاریخ ۱۰ عقرب ۱۳۸۶ خورشیدی مطابق اول
نوامبر ۲۰۰۷ میلادی همایش وسیع گفتمان پروسه ء
سیاسی، تحلیل وضع کنونی و ضرورت
حضور متحدانه نیروهای ملی، دموکرات و ترقی
خواه کشور در وضعیت سیاسی و چگونگی حل
معضلات کشور به اشتراک رهبران احزاب
سیاسی، شماری از اعضای ولسی جرگه
و مشرانو جرگه، گروپ پارلمانی خط سوم،
سازمانهای اجتماعی، دانشمندان، و جامعه مدنی،
علماء و روحانیون وطن دوست و ترقی پسند، نماینده
گان تجار ملی، اتحادیه هنرمندان و
ژورنالیستان، نماینده گان یوناما، اتحادیه
اروپا، نماینده ملکی ناتو و نماینده گان بعضی دیگر
از سازمان های جهانی مقیم کابل با میزبانی
نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان
در شهر کابل تدویر یافت.

(بقیه در صفحه ۲)

فهرست

صفحات	عناوین
۲ -	همایش وسیع
۳ -	بیانیه شیر محمد بزرگ در همایش
۱۲ -	قطعه نامه همایش
۱۵ =	فشرده بیانیه نفس جهد و مسعوده جلال

پیام تسلیت مجلس مؤسسان نهضت فراگیر
دموکراسی و ترقی افغانستان به مناسبت حادثه غم
انگیز ولایت بغلان

۱۶ عقرب ۱۳۸۶

جنایات کاران جان میگیرند و خون میریزند
انا لله وانا الیه راجعون

روز ۱۵ عقرب سال روان، دستان مرموزی از استین
تروریزم بیرون آمد و در فابریکه قند بغلان گلهای فراوانی را
پرپر نمود. ده هاتن از زندگی ساقط و خون فراوانی جاری
شد. که این دستان شکسته باد.

در میان شهدا و مجروحین به خون اغشته دها طفل و کودک
پیران، جوانان و زنان بیگناه وجود دارد. نامه های اشنا ی هم
چون (حاج سید مصطفی کاظمی، حاجی محمد عارف
ظریف، انجنیر متین، صبغت الله ذکی، حاجی نازک میر و
صاحب الرحمن) وکلای انتخابی مردم به درجه شهادت نایل
شدند و قلبهای همه را داغدار نمودند.

مجلس مؤسسان نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان
در حالیکه خود را شریک غم و اندوه خانواده های شهدا، مردم
حکومت و پارلمان کشور میداند، برای مجروحین صحت
عاجل و برای شهدا بهشت برین ارزو نموده عمل نا
جوانمردانه دشمنان صلح و آرامش را تقبیح و محکوم مینماید.

این حادثه غم انگیز نشاند هنده سیاست های مداخله گرانه
عمق وحشت و خشم دشمنان صلح و آرامش کشور ماست
که از ماورای سرحدات سازماندهی میگردد و روز تا روز
ابعاد گسترده تری پیدا میکند.

دستگاه حکومتی نباید صرف با اعلان ماتم ملی و مراسم
پرشکوه جنازه و قاتحه اکتفا نماید. لازم است تا با اتخاذ
سیاست کادری سالم برحل واقعی مشکلات موجود نامنی و
شکل گیری ابعاد تازه تروریزم غلبه حاصل کند.

هیئت رئیسه

مجلس مؤسسان نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان

همایش که در آن بیش از ششصد تن در تالار هتل گلزاد اشتراک ورزیده بودند، با تلاوت چند آیات کلام الله مجید توسط محترم قاری محمد نادر اغازوبعدا محترم شیرمحمد بزرگ‌رئیس مجلس موسسان نهضت فراگیردموکراسی و ترقی افغانستان، بیانیه‌ی نهضت فراگیر را ارایه نمود. بعدا هریک داکترمسعوده جلال وزیرپیشین امورزنان، احمدشاهین رئیس حزب تفاهم ودموکراسی افغانستان، شکریه بارکزی عضوولسی جرگه، میاگل خالد معاون حزب متحدملی، نفس جهد ازفعالین سرشناس جنبش زنان، ثریا پرلیکا رئیس سازمان سرتاسری زنان، داکتر آصف بکتاش رئیس حزب ترقی ملی، داکتر حبیب منگل عضو هیات ریشه شورای اروپایی نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان، محمد نادرکتوازی عضو ولسی جرگه، صدقی عضو ولسی جرگه، محمد هاشم وطنوال عضوولسی جرگه، حاجی لعل وزیر نماینده تجارملی، حیات گردیزی هنرمند سرشناس کشور و نماینده اتحادیه هنرمندان، محمد اکبر اوریاز فعالان سیاسی وفاروق تلاش، پیرامون موضوعات مطروحه همایش ابرازنظر وازابتکار دعوت وسازماندهی چنین همایش وبیانیه‌ی شیرمحمد بزرگ رئیس مجلس موسسان نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان و مبرمیت ایجاد جبهه‌ی وسیع میهنی نیروهای ملی، دموکرات و مترقی کشور حمایت و به گرمی استقبال نمودند. هم چنان قطعه شعری توسط خلیل رومان نویسنده و تحلیل‌گر سیاسی به خوانش گرفته شد.

درپایان، قطعنامه همایش که توسط یک کمیسیون مشترک شامل فیض الله ذکی، آصف بکتاش، احمدشاهین، داکتر حبیب منگل، ثریا پرلیکا و محمدانورمتین تدوین شده بود از نام همایش صادر و به اتفاق آراء تایید گردید. و همایش با دعاییه محترم مولوی قیصاری یکی از روحانیون قابل احترام و سرشناس کشور خاتمه یافت.

گفتنی است که در حدود ۶۰ تن از نماینده گان رسانه های گروهی داخلی و خارجی مستقر در کابل برای پوشش خبری این همایش اشتراک ورزیده بودند.



بسم الله الرحمن الرحيم

دوستان و حضار گرامی !

برای هیأت رهبری و اعضای نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان و این جانب جای بسا مسرت است که دعوت ما را پذیرفته و در محفل گفت و شنودی که به منظور بحث پیرامون پروسه سیاسی ، اوضاع کنونی و ضرورت حضور متحدانه و موثر نیروهای وطن دوست ، دموکرات و ترقی خواه ، در وضعیت کنونی سیاسی و حل معضلات کشور ، دعوت



گرفته است ، حضور بهم رسانیده ، ما را ممنون ساختید .

قبل از اینکه دیدگاه نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان را در رابطه به موضوعات مورد بحث همایش ، ارایه نمایم باید گفت که سازنده گی و همبسته گی اساسی ترین شعار و خواست این گردهمایی میباشد . به عباره دیگر نقد و تحلیل واقعینانه از اوضاع کنونی و دریافت راه حل ها و راهکارهای موثر حل معضلات و مقابله با چالشها و تامین اتحاد نیروهای ملی و مترقی در یک جبهه وسیع میهنی اساسی ترین اهداف این جمع امد را تشکیل میدهد .

اجازه دهید که به ارزیابی بحث های سازنده و موفقیت کار همایش ، بیانیه و نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان را ارایه نمایم .

حضار گرامی ، خانمها و آقایان !

کشور ما که پس از سقوط دولت جمهوری سابق در کام خلی قدرت ، انارشی جنگ داخلی و تروریزم فرو رفته و فراموش گردید ، در پی حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده امریکا و حملات نظامی آن کشور به کشور ما ، که به سقوط حاکمیت طالبان و ایجاد حاکمیت جدید منتج شد ، به دوران جدید حیات سیاسی وارد گردید و بار دیگر در مرکز توجه جامعه جهانی قرار گرفت .

مردم افغانستان که از استبداد و مقابله مسلحانه قدرت طلبی ، انارشی ، جنگ داخلی ، ظلم ، ستم ، فقر و سیه روزی عذاب میکشیدند به امید اینکه حاکمیت جدید و جامعه جهانی به درد ورنجهای شان پایان خواهد بخشید از این تحول سیاسی حمایت بعمل آورد و در موفقیت آن مشارکت ورزیدند .

نکته مرکزی درگفتن پروسه سیاسی که در پی فروپاشی نظام طالبان و ایجاد حاکمیت جدید شکل گرفت عبارت از این است که نظام حاکم سیاسی و هیأت حاکمه در حل قضیه کشور یا حل مسئله قدرت، تامین حاکمیت ملی و اقتدار ملی، ایجاد نظام متکی بر اراده ازاد مردم و حکومت مشروع و سرانجام تامین صلح، ثبات، بازسازی و توسعه و انتظارات مردم عذاب دیده کشور، چه دستاورد هایی دارد؟ چالش ها کدام اند؟ و چگونه میتوان با آن مقابله کرد؟ و آنرا حل نمود؟

حضارگرمی !

پس از فروپاشی نظام طالبان، از نظر سیاسی وضعیتی در کشور شکل گرفت که از یک سو دگرگونی ها، فرصت ها، امکانات و شرایط مساعد داخلی و بین المللی برای حل مسئله قدرت و تامین صلح و ثبات، بازسازی و پیشرفت کشور پدید آمده، درین راستا گامهای معینی برداشته شده است. ولی از سوی دیگر بنا بر گروهی از عوامل و فکتورها و به ویژه تناقضات فرایند سیاسی و تضاد های ذات الیینی جناح های مخالف و مختلف شامل قدرت و نظام حاکم سیاسی، از همان ابتدا این نگرانی و بیم وجود داشت که نشود همه شانس ها و فرصت ها به هدر رود و کشور دوباره به کام بحران فرو رود. این وضعیت دوگانه را در واقعیت های ذیل به خوبی میتوان دریافت:

در زمینه حل مسئله قدرت و حکومت داری

واقعیت اینست که در چارچوب توافقات کنفرانس بن در زمینه حل مسئله قدرت و ایجاد یک نظام متکی بر اراده ازاد مردم و حکومت مشروع، مبتنی بر اصول دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر و ارزشهای جامعه مدنی گامهای معینی برداشته شده است.

به گونه مثال پس از یک دوره خلای قانونی، برای کشور قانون اساسی جدید مبتنی بر تسجیل برخی از ارزشهای تجدد و دموکراسی تدوین و تصویب گردید و مبتنی بر آن نظام جدید که حاکمیت ملی را متعلق به ملت میداند پا به عرصه وجود گذاشت. در چارچوب نظام جدید برای اولین بار مردم این کشور این فرصت را به دست آورد که رئیس جمهور کشور را مستقیماً انتخاب نمایند و آقای حامد کرزی درین انتخابات پیروز شد و به حیث رئیس جمهور کشور انتخاب گردید. کشور دوباره صاحب پارلمان شد و مردم از حقوق اساسی و دموکراتیک، ازادی های مدنی و فردی قانوناً و بطور نسبی برخوردار شدند. نظام قضایی و عدلی کشور مبتنی بر قانون گرایی مدنی و عرفی ساختن سیستم حقوقی دوباره احیا شد. بدینگونه زمینه ها، امکانات و فرصت های مساعدی برای حل مسئله قدرت، توسعه سیاسی و ریشه کن ساختن استبداد پدید آمد.

نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان در حالی که از دگرگونی های سیاسی متذکره قاطعانه حمایت مینماید و برای تحقق نهایی آن میرزمد و از هیچگونه مساعی دریغ نمی ورزد، خاطر نشان میسازد که دگرگونی هایی جاری و دموکراسی تنها در صورت حضور نیرومند و موثر نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه، تقویت جامعه مدنی و نظارت نهادهای پارلمانی و مردم بر حکومتات و نخبه گان حاکم سیاسی تامین و نهادینه میشود.

به نظر میرسد که افغانستان این بار قربانی نیو لیبرالیزم و تمرکز قدرت و ثروت در دست یک اقلیت جامعه و کاپی کردن کورکورانه و تطبیق جبری و میکائیکی مدل های دموکراسی میشود . درحالیکه تجارب میاموزاند که دموکراسی بر مبنای ویژه گی های یک جامعه مشخص تحقق میابد و زمانی ارزش دارد که بر رفاه و توسعه انسانی و عدالت اجتماعی توأم باشد .

افغانستان به دموکراسی واقعی و کارآمد نیازمند است نه به دموکراسی سر و دم بریده و نا کارآمد . در دموکراسی واقعی قدرت به صورت واقعی توزیع میشود و مشارکت سیاسی به صورت درست تحقق می یابد، حکومت ها نیازمندی های مردم را به وجه احسن تامین می نماید ، در خدمت مردم قرار دارند ، حاکمیت قانون را تحقق میبخشد ، حقوق بشر را درست حراست و تامین مینماید و بر مردم ظلم و ستم نمیکنند .

ولی حکومت داری سالم ، دموکراتیک و پاسخگو در کشور ما صرف در حرف باقی مانده است . فساد اداری بیداد میکند و حکومت در تامین حاکمیت قانون ، عدالت و رفاه مردم ناکام مانده اند . برغم اصلاحات اداری ، سیاست درست کادری هنوز تحقق نیافته است و از ظرفیت کادرهای ملی استفاده اعظمی بعمل نیامده است . وضع معیشت اکثریت مطلق کارمندان درد آور است و در سیستم معاش از روش یک بام و دو هوا کار گرفته شده است . عدم حاکمیت قانون ، عدم احتساب و احساس مسوولیت ، نبود نظارت واقعی نهادهای کنترول و تفتیش اداری ، نبود نظارت موثر نهاد های پارلمانی و جامعه مدنی ، سیاست نادرست کادری عوامل و دلایل عمده فساد اداری به شمار می آید .

ما در زمینه ایجاد اداره سالم ، دموکراتیک ، پاسخگو و فساد ناپذیر ، راه حل ها و رهکارهای ذیل را پیشنهاد مینماییم :

- حاکمیت قانون تامین و مستحکم گردد . و بدین منظور در ارگانهای حراست قانون و قضا اصلاحات اساسی آورده شود .
- احتساب، نظارت اداری و تفتیش موثر در اداره اقتصادی و مالی تامین گردد. **پگذار هر اداره ، کارمند و مامور بداند که به مردم جواب گو میباشد .**
- سیاست کادری بر مبنای شایسته سالاری و جابجا نمودن کادرهای مردم گرا ، مسلکی و ترفیخواه ، بدون جانبداری های سیاسی ، قومی و گروهی اصلاح گردد .
- نظام اداره بیشتر دموکراتیک ساخته شود و بدین منظور تعدیلات لازم در قانون اساسی آورده شود و قوانین دموکراتیک وضع و تطبیق گردد .
- تعادل در اداره مرکزی و محلی تامین و از تمرکز قدرت و تراکم امور و صلاحیت ها و مرکزیت گرایی و مرکزیت گریزی جلوگیری شود.

- حضور احزاب سیاسی ، نهاد های جامعه مدنی ، مطبوعات ازاد و اعمال واقعی نظارت و کنترل بر فعالیت حکومت و اداره دولت ، تامین گردد. چون دموکراسی بدون حضور موثر احزاب ، جامعه مدنی ، مشارکت سیاسی و کنترل عوام بر حکمرانان، میمیرد .

– در زمینه امنیت

مبرهن است که نخستین وظیفه هر دولت عبارت از تامین امنیت و مصونیت فردی و اجتماعی شهروندان آن میباشد. واقعیت اینست که حاکمیت جدید و حکومت در عرصه ارتقای قابلیت دفاعی- امنیتی کشور ، ایجاد اردو و پولیس ملی و ارگانهای امنیتی مساعی به خرچ داده میدهد. اما اوضاع امنیتی کشور بیانگر این حقیقت است که دولت در زمینه تامین امنیت داخلی و خارجی به چالش های جدی مواجه میباشد و دست اوردهای قابل لمس درین عرصه ندارد. کشور در یک بحران تمام عیار نا امنی به سر میبرد ، تروریسم بیداد میکند ، حاکمیت تفنگ و قلدری ادامه دارد ، معضله گروه های غیرمسوول و سلاح غیرقانونی حل نگردیده است . تولید و قاچاق مواد مخدر ر افزایش یافته و مقابله به این چالش ها هنوز کدام نتیجه قناعت بخش نداده است .

مشی و رویکرد غیرشفاف نیروهای ائتلاف ضد تروریسم و عدم موثریت مساعی ایساف به رهبری ناتو در زمینه کمک به امنیت افغانستان ، سطح نازل قابلیت دفاعی – امنیتی کشور ، عدم تسلط دولت در سراسر کشور، بازبودن سرحدات و عدم توانایی ارگانهای حراست قانون و عدلی در تطبیق حاکمیت قانون و گسترش حاکمیت مرکزی از یک سو و ادامه دخالت خارجی و صدور تروریسم به افغانستان از جانب دیگر ، عمده ترین دلایل و عوامل نا امنی در کشور به شمار میروند. این در حالی است که در کشور ما در وجود ناتو بزرگترین قدرت نظامی جهان بمنظور کمک به امنیت افغانستان حضور دارد. اما تروریسم از افغانها همچنان قربانی میگیرد .

از ایجاد اردو و پولیس ملی فراوان حرف زده میشود ، اما افغانستان هنوز صاحب قوای مسلح ملی و اداره کارآمد دفاعی – امنیتی نشده است . به نظر میرسد که کار ایجاد اردوی ملی عمداً به تعویق انداخته میشود ، تا کشور زود تر قادر به دفاع از امنیت خویش نشود. در اعاده و ایجاد اردو و پولیس ملی بر کادرهای مسلکی اتکا نمیشود و صدها افسر و جنرال که توانایی خدمت را دارند به تقاعد سوق داده شده اند و در عوض آنها افراد غیر مسلکی استخدام شده اند. وضع معیشتی منسوبین قوای مسلح رقتبار است و فرار از صفوف قوای مسلح افزایش میابد. امور اداره عدلی و حراست قانون در تامین امنیت فردی و مصونیت مردم دست آورد ندارد و باند های جنایت کار در تاروپود پولیس ریشه دوانیده است. مردم از جنایات سازمان یافته ، ظلم و ستم ، انواع خشونت ، قلدری و تجاوز به حقوق بشری و انسانی رنج میبرند.

بدین گونه دولت افغانستان در تامین امنیت و تحقق تعهدات درین زمینه نه فقط موفقیت قابل لمس ندارد، بلکه در یک نوع بن بست گرفتار گردیده است. و فراموش نباید کرد که دولتی که قادر به دفاع

از کشور و امنیت شهروندان خویش نباشد نه فقط نا کارآمد است بلکه سرانجام مشروعیت و بقای خود را از دست میدهد.

ما برای تامین امنیت پایدار کشور ، راهکارهای ذیل را پیشنهاد مینماییم :

- ائتلاف ضد تروریسم و ناتو برای تحقق تعهدات و مسوولیت های خود ، در زمینه مبارزه با تروریسم و کمک به امنیت افغانستان ، استراتژی موثر را اتخاذ و عملی سازد . زیرا با رویکرد و استراتژی کنونی نمیتوان به امنیت افغانستان کمک رساند.
- جامعه بین المللی ، امریکا و ناتو طبق تعهدات خویش در ساختن و تسریع پروسه ایجاد اردو و پولیس ملی به اقدامات مقتضی متوسل شود تا افغانستان هرچه زود تر خود به امنیتش بپردازد .
- نیروهای خارجی از بمباردمان محلات مسکونی و کشتار مردم ملکی ، تجاوز بر حقوق و حیثیت انسانی خودداری نمایند و متخلفین طبق کنوانسیون های جهانی مجازات گردند ، مجرمین افغانی به زندانهای افغانستان انتقال گردند و به محلات جنگ زده کمک به عمل آید.
- امریکا ، اتحادیه اروپا و ناتو طبق تعهدات خویش به موثریت بازسازی توجه مبذول بدارند و از طریق اعمار پروژه های عام المنفعه به ارتقای سطح زنده گی مردم محلات مساعدت نمایند . زیرا امنیت که تنها به زور سرنیزه و سرکوب آورده شود شکنند و غیر پایدار میباشد.
- پاکستان به تعهدات خویش در زمینه مبارزه با تروریسم، که اینک دامن این کشور را نیز گرفته است باید پابندی نشان دهد و مراکز آموزش و پرورش تروریستی را که در خاک آن موجود است از بین ببرد و به صلح و امنیت افغانستان مساعدت رساند .
- اما افغانها امنیت خانه خود را خود تامین نمایند و دولت افغانستان تلاش نماید تا هرچه زودتر به دفاع مستقلانه بگذرد و بدین منظور قابلیت امنیتی و دفاعی خویش را ارتقا بخشد . پروسه ایجاد اردو و پولیس ملی را تسریع نماید زیرا اردوی ملی مظهر استقلال کشور میباشد و دولت زمانی مستقل و ملی بوده میتواند که قادر به دفاع از امنیت ملی خویش باشد .

در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی

دوستان محترم !

میرهن است که یکی از وظایف اساسی دولت های ملی و کارآمد ، تامین رفاه و امنیت اجتماعی مردم و توسعه اقتصادی کشور میباشد .

چنانچه گفته آمد یکی از خواسته های برحق مردم از حاکمیت کنونی ، توجه به زنده گی آنان و رفع عقب مانده گی و توسعه نیافته گی شمرده میشود .

با وجود اینکه حاکمیت جدید در چارچوب برنامه همبسته گی و استراتژی انکشاف ملی گام های معین در ارتقای توسعه انسانی و اجتماعی و انکشاف اقتصادی کشور برداشته است و در طی شش سال در سیمای اقتصادی ،

اجتماعی و فرهنگی کشور دگرگونی های معین به مشاهده میرسد و جامعه افغانی پروسه رشد و تکامل خود را به طور قانونمند پی میگیرد ، ولی حقایق و ارقام نشان میدهد که وضعیت زنده گی مردم به شدت به وخامت گراییده و کشور از نظر اقتصادی به کندی رشد مینماید .

ازبازسازی فراوان حرف زده میشود و پول هنگفتی بدین منظور به کشور سرانبر شده است اما مردم ازبازسازی به استثنای پروگرام همبسته گی ملی چندان بهره نبرده اند و پول بازسازی به کیسه های شخصی میریزد. فقر و بیکاری بیداد میکند و افغانستان از نظر توسعه انسانی و اجتماعی در زمره فقیرترین کشورهای جهان قرار دارد . همین اکنون شصت فیصد مردم کشور در زیر خط فقر قرار دارند و عاید روزانه فی نفر کمتر از یک دالر میباشد. کشور از نظر اقتصادی به کندی رشد میکند تولید صنعتی و زراعتی داخلی در سطح فوق العاده نازل قرار دارد و جامعه افغانی به یک جامعه مصرفی تبدیل شده است ، سکتور دولتی اقتصاد در حالت انهدام قرار دارد.

به سرمایه گذاری در بخش زیر ساختهای اقتصادی توجه مبذول نگردیده است . وضع سکتور خصوصی و تجارت داخلی و خارجی مطلوب نیست . هنوز سیستم کارآمد مالیاتی ایجاد نگردیده و یا نهادینه نشده است . مدیریت اقتصادی از کارایی لازم برخوردار نیست .

اقتصاد جنایی ، اقتصاد مواد مخدر و جنگ ، سیاست های نادرست اقتصادی و خصوصی سازی لجام گسیخته، نا امنی و مدیریت ناقص عمده ترین دلایل رکود در توسعه اقتصادی کشور به شمار می آید .

نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان در زمینه توسعه انسانی و اجتماعی و رشد اقتصادی راه حل ها و راهکارهای ذیل را پیشنهاد مینماید :

- در جهت برآوردن نیازهای مردم و کاهش فقر ، بیکاری ، بیسوادی و بی سرپناهی اقدامات جدی و لازم انجام گیرد . بدین منظور عواید ملی به نفع توسعه انسانی و ایجاد بیمه های اجتماعی به مصرف رسانیده شود و توزیع گردد .

- مبارزه پیگیر به خاطر حقوق اساسی و مدنی زنان

- سطح معاشات و دست مزد ها متناسب به هزینه های زنده گی ، یک سان و بدون امتیاز و تبعیض افزایش یابد .

- سرمایه گذاری های کلان دولتی ، خصوصی و مختلط ، داخلی و خارجی در بخش تولیدات غذایی ، صحت عامه ، آموزش و پرورش ، تولید کالاهای استهلاکی ، اعمار مسکن و ایجاد بیمه های اجتماعی تشویق و عملی گردد .

- برای تامین حقوق کارگران و کارمندان موسسات خصوصی و دولتی و مرخصی های با معاش برای زنان کارمند و کارگر قبل و بعد از زایمان و بهبود وضعیت کودکانها ، شیرخوارگاه ها و پرورشگاه ها اقدامات مقتضی رویدست گرفته شود .

- برای انکشاف دهات و بهبود وضع دهقانان و مالداران توجه مبذول گردد و درین زمینه اقدامات اساسی بعمل آید .

- برای رفع نیازمندی های اقتصادی و اجتماعی دانشمندان ، معلمان ، استادان ، نویسندگان ، شاعران ، هنرمندان و ژورنالیستان از طریق ایجاد فوند ها و ساختمان شهرک ها اقدامات مقتضی بعمل آید .

- اقتصاد بازار آزاد به مثابه راه قانونمند انکشاف و رشد اقتصادی ، رشد نیروهای مولده و گذار به مناسبات جدید تولیدی میباشد . اما اقتصاد بازار باید در خدمت مردم و توسعه اجتماعی قرار داشته باشد . ما به خصوصی سازی لجام گسیخته که به تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی و بیکاری می انجامد ، مخالف هستیم . زیرا تجارب می آموزاند که فقط تعادل همه سکتورهای اقتصادی به گونه ای که هیچ کدام از سکتورهای اقتصادی یکی دیگر را تعدیل نکند ، بلکه باهم رقابت کنند و دولت نقش سمت دهنده و کلیدی در مناسبات اقتصادی داشته باشد ، سیاست و مشی درست رشد اقتصادی میباشد .

- به رشد نیروهای مولده ایجاد صنایع ملی و انکشاف زیر ساخت های اقتصادی به طور هماهنگ توجه شود .

- سیستم مالیاتی بهبود یابد و مالیات مترقی بر عایدات وضع گردد و اصلاحات اساسی در اداره اقتصادی بعمل آید و در راستای ریشه کن ساختن فساد اقتصادی و مالی و اقتصاد جنایی و مواد مخدر تدابیر قاطع اتخاذ و عملی گردد

در زمینه توسعه فرهنگی :

افغانستان از نظر فرهنگی هنوز نیز در قطار عقب مانده ترین کشورهای جهان قرار دارد . بیسوادی بیداد میکند ، تعداد زیادی کودکان به علت وضعیت بد اقتصادی و اجتماعی خانواده به مکتب نمیروند از رفتن دختران به مکتب همچنان جلوگیری میشود و هزاران دانش آموز در زیرخیمه و در روی زمین درس میخوانند و هزاران دیگر به دلیل ظرفیت محدود موسسات تحصیلات عالی از ورود به آنها بازمانده اند . **از کار و فعالیت موسسات کلتوری - علمی کسی اطلاع ندارد و از تولیدات و ایجاد گری های علمی ، اکادمیک ، ادبی و هنری خبری نیست . دانشمندان ، روشنفکران و فرهنگیان در تحقیقات و ایجاد فرآورده های خویش همچنان به تعصبات رنگارنگ مواجه اند .**

جامعه افغانی در یک بحران فراگیر اتنیک و اخلاق به سر میبرد ، دشمنی و دشمن پروری ، انواع خشونت ، عصبیت و تعصب قومی ، نژادی و مذهبی ، زورگویی و تنازع بقا ، انفرادیت ، خود خواهی ، پول پرستی ، اشفته گی روانی ، تعصبات فکری ، خرد ستیزی ، تجدد ستیزی ، از خود بیگانه گی ، انفعال ، بی تفاوتی ، یاس و نا امیدی به روح و روان اکثریت نزدیک به اتفاق افراد جامعه افغانی مسلط شده است . این وضعیت جامعه افغانی را به سوی انحطاط اخلاقی میکشاند .

بنا بر آن افغانستان به یک تحول بنیادی فرهنگی نیازمند است . برای ریشه کن ساختن بیسوادی و مدرنیزه

ساختن و انکشاف تعلیم و تربیه و نظام کلتوری باید تدابیر اضافی اتخاذ و عملی گردد و به بهبود زنده گی فرهنگیان توجه مبذول گردد .

حضارگرامی !

قوم گرایی که در اشکال مرکزیت گرایی ، شوونیزم ، مرکزیت گریزی ، ناسیونالیزم محلی ، امتیاز طلبی محلی ، تعصبات قومی ، نژادی ، لسانی و محلی تبارز میابد و به شدت تحریک میشود . شیرازه وفاق ملی ، ثبات و وحدت ملی باشنده گان این کشور را برهم میزند و به چالش میکشد . بنا بران حل دموکراتیک مسله ملی در کشور کثیر القومی مبنی بر تامین برابری ملی و اقوام ساکن کشور از اهمیت خاص برخوردار است .

به عقیده ما برخورد آگاهانه، عادلانه و منصفانه به مسله عملي و حل بنیادی آن با در نظر داشت تنوع و تکثر قومی، مذهبی، نژادی، فرهنگی و ملی در کشور واحد مان افغانستان کلید حل این معضل بوده و مفردات مندرج اصول مرآمی نهضت در راستای حل این مسئله در شرایط کنونی با واقعیت های کشور ما مطابقت دارد .

دوستان محترم !

شایان ذکر است که هرگاه حاکمیت سیاسی کنونی افغانستان در عرصه توسعه سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی به اقدامات موثر دست می یازید به تامین حقوق اساسی شهروندی و ملی و عدالت اجتماعی شتاب بیشتری میداد ، امکانات گذار و پیشرفت و زمینه های واقعی برای بهزیستی مردم و برقراری صلح و ثبات در کشور وجود میداشت . **ولی با دریغ که چنین نشد و گویا چنین چیزی به سرشت اجتماعی و ساختار کنونی قدرت سیاسی سازگاری ندارد .**

اما این تناقض، یعنی تناقض میان ادعای نظام حاکم سیاسی مبتنی بر استقرار دموکراسی ، ایجاد جامعه مترقی ، مرفه ، عاری از ظلم ، ستم و بی عدالتی ها از یک سو و ساختار غیر دموکراتیک قدرت از جانب دیگر و نکته ضعیف و آسیب پذیر حاکمیت سیاسی کنونی را تشکیل میدهد .

چنانچه گفته آمد و تجارب ملل پیشرفته و مترقی جهان می آموزاند که دموکراسی های کلان و دولت های دموکراتیک تنها در صورت حضور نیرومند و موثر نیروهای ترقی خواه و دموکراتیک در وضعیت سیاسی و ساختار قدرت تحقق یافته میتواند .

اما در کشور ما وضع به گونه دیگر است و میخواهند دموکراسی نوپارا به اتکای نیروهای پسر و ضد دموکراسی و ارزشهای جامعه مدنی ، که در سرا پای ساختار قدرت ریشه دوانیده اند ، برپادارند و تحقق بخشند .

باید گفت که این تناقض و مشکل از همان ابتدای کنفرانس بن جابجایی قدرت و شکل گیری فرایند سیاسی و تطبیق توافقات بن بر خاسته و بروز نموده است . به گونه ای که در ترکیب کنفرانس بن تنها از یک جانب منازعه قدرت یعنی تنظیم ها و متحدین آنان دعوت بعمل آمد و نیروهای دولت سابق جمهوری افغانستان که

واقعیت سرسخت سیاسی کشور و بیانگر منافع وسیعترین اقلیت جامعه افغانی شمرده میشوند به کنفرانس دعوت نگردیدند و از مشارکت سیاسی محروم ساخته شدند. در توافقات بن بر مصالحه و ایجاد دولت با پایه های وسیع تاکید بعمل آمده بود. اما در عمل مصالحه با گروه های تنظیمی محدود ساخته شد و قدرت سیاسی در دست آنان تمرکز یافت و انحصار گردید.

بدین گونه مردم افغانستان فراموش گردید و برواقعیت های سیاسی کشور چشم پوشیده شد و در نتیجه اینکه، حاکمیت جدید و جامعه بین المللی در تحقق تعهدات و مسوولیت ها هنوز موفقیت های لازم نداشته و در یک نوع بن بست خودساخته گرفتار گردیده و به چالش های جدی مواجه میباشند.

حاضر محترم!

افغانستان نه فقط در عرصه حیات داخلی بلکه در حل جوانب خارجی مسایل کشور نیز به چالش های جدی مواجه است. با این وجود که پس از رویداد یازده سپتامبر و اشتراکات در مبارزه مشترک بر ضد تروریسم که امنیت همه را به خطر انداخته است یک نوع تفا هم بین المللی در رابطه به افغانستان شکل گرفته است اما بنا بر موقعیت جیوپولوتیک و جیو اکونومیک خویش، و تضاد در منافع کشورهای ذیدخل منطوقی و جهانی این احتمال وجود دارد که تفاهم کنونی بین المللی به رویارویی و تقابل دوباره نگراید و این بار افغانستان قربانی "بازی بزرگ جدید" و یا "جنگ سرد برای انرژی" نشود. البته مشکل در افغانستان نیست بلکه در مقابله قدرت های منطوقی و جهانی میباشند که بر سر نفوذ و تسلط بر این "گذرگاه کشورگشایان" و "قلب آسیا" و "بام دنیا" براه انداخته شده است.

در چنین شرایط و وضعیت حساس، دولت افغانستان وظیفه دارد که با درک فکتورهای فوق و حساسیت اوضاع پیرامون افغانستان، سیاست و اقبینانه و مدیرانه مبتنی بر مصالح و منافع علیای کشور و رشد مستقل ملی، با مهارت، فراست، تدبیر و شجاعت بخاطر اینکه کشور ما مجدداً به صحنه مقابله قدرت های بزرگ میدل نشود سیاست و دیپلوماسی فعال خارجی مبتنی بر دکتورین ذیل اتخاذ و عملی سازد:

- حمایت از مشارکت سازمان ملل متحد در استقرار امنیت، ثبات، بازسازی و توسعه کشور.
- مساعی برای تامین مناسبات متقابلاً مفید کشورهای همسایه، منطقه و جهان مبنی بر حفظ و حراست منافع ملی و مصالح علیای کشور.
- دفاع از اعلامیه جهانی حقوق بشر و مساعی در راه صلح و امنیت جهانی، برابری و تساوی حقوق ملل.
- مبارزه بر ضد تروریسم، تولید و قاچاق مواد مخدر و تبعیض نژادی.
- حمایت از حقوق ملل در تعیین سرنوشت سیاسی مطابق به منشور ملل متحد.
- حمایت از مساعی جامعه جهانی، در عرصه تامین امنیت، بازسازی و توسعه.
- جلب حمایت جامعه بین المللی در جهت تسریع ساختن و تکمیل اردو و پولیس ملی، تا افغانستان هرچه زودتر قادر به دفاع از امنیت خود شود.

اشتراک کننده گان محترم همایش !

از تحلیل و تجزیه پروسه سیاسی و اوضاع کشور به این نتیجه گیری اصولی نایل میایم که قضیه افغانستان ، قضیه افکار و ارزشها میباشد که در نزاع بر سر چگونگی ساختار و مشروعیت قدرت نظام دولت ورژیم سیاسی تبلور میابد . به عباره دیگر نزاع بر سر این است که نظام دولت افغانستان دموکراتیک باشد و یا استبدادی و اقتدارگرا. این است ماهیت مسله .

این در حالست و تجارب جهانی نشان میدهد که این نزاع تنها در صورتی به پایان میرسد که نیروهای باور مند و متعهد به دموکراسی ، ازادی ، برابری ، ترقی و عدالت اجتماعی ، در مبارزه اجتماعی و سیاسی جاری و آتی ، به پیروزی قطعی نایل آیند و به معرف جریان مسلط در جامعه و دولت مبدل گردند . خوشبختانه که این نیروها به فراوانی در جامعه وجود دارند ، اما بنا بر تشنت و نفاق در وضعیت سیاسی حضور ندارند و به حاشیه رانده شده اند .

این وضعیت تناسب نیروها را به زیان پروسه روند تحولات دموکراتیک و ترقی خواهانه تغییر داده است حتی این خطر وجود دارد که کشور به دورباطل استبداد ، انارشی و جنگ داخلی بر گردد .

در چنین شرایط این ضرورت ملی به میان میاید که نیروهای وطن دوست ، دموکرات و ترقی خواه دریک جبهه وسیع میهنی متحد شوند ، با حضور متحدانه در وضعیت سیاسی ، نقش خود را در تحقق تحولات دموکراتیک و ترقیخواهانه ادا نمایند .

نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان از نیروهای ملی و مترقی کشور تقاضا بعمل میاورد تا برای ایجاد یک پلات فور م مشترک در راه تامین اتحاد سیاسی نیروهای پیشرو مساعی به خرج دهند .

حضارگرامی !

یکبار دیگر از حضور و اشتراک شما در همایش سپاسگذاریم . و به ارزوی موفقیت کار همایش و تامین صلح و امنیت پایدار ، ثبات سیاسی و استقرار دموکراسی واقعی ؛ ایجاد اداره سالم ، دموکرات و خدمت گار مردم ، توسعه انسانی ، رفاه و عدالت اجتماعی و ارمان افغانستان ازاد ، دموکراتیک ، شگوفان ؛ نیرومند و سربلند ، بیانیه نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان را به پایان می برم . موفق و خوش باشید



قطعه نامه همایش وسیع نیروهای ملی، دموکرات و ترقی خواه افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۰

همایش وسیع گفتمان پروسه ۶ سیاسی، تحلیل وضع کنونی و ضرورت حضور متحدانه ۶ نیروهای ملی، دموکرات و ترقی خواه در وضعیت سیاسی، چگونگی حل معضلات کشور به اشتراک برخی از اعضای پارلمان، روسای و نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی، اجتماعی، شخصیت های مستقل سیاسی، فرهنگی، نمایندگان نهاد های جامعه مدنی، علما و روحانیون، نویسندگان، شعرا و هنرمندان، نمایندگان مطبوعات داخلی و خارجی و شماری از نمایندگان موسسات بین المللی در شهر کابل، به میزبانی نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان در شهر کابل تدویر یافت.

در همایش کلی ترین و مبرمترین مسایل مربوط به حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، چگونگی تامین امنیت پایدار و حکومت داری سالم و دموکراتیک، ضرورت همبستگی نیروهای ملی، دموکراتیک و وطن دوست، چالش ها، ضرورت ها، امکانات و راهکارهای برون رفت از وضعیت موجود کشور، در فضای همبستگی صمیمانه مورد بحث دسته جمعی و همه جانبه قرار گرفت.

اشتراک کننده گان همایش بعد از بحث سازنده و وسیع بادرک و تحلیل عمیق از حساسیت وضعیت کنونی با تفاهم پیرامون مسایل مورد بحث بدین گونه به توافق رسیدند:

- ۱- دفاع از ارزش های دموکراتیک قانون اساسی و تامین حاکمیت قانون و مساعی مشترک در راستای استقرار و نهادینه ساختن دموکراسی، ایجاد اداره سالم، مسوولیت پذیر، دموکراتیک، فساد ناپذیر و خدمتگذار مردم.
- ۲- پشتیبانی و تلاش به خاطر تامین امنیت پایدار، تقویت اردو پولیس ملی، و تشدید مبارزه ۶ گسترده علیه مافیای مواد مخدر، تروریسم و افراطیت در کشور.
- ۳- دفاع از افغانستان متحد و یک پارچه، مبارزه پیگیر در زمینه ۶ تحکیم وحدت ملی مبتنی بر اصل حفظ تعادل مرکزیت و تفویض صلاحیت به محلات طبق قانون اساسی کشور، اصول دموکراسی و رشد متوازن اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی محلات.
- ۴- تلاش و مبارزه در زمینه توسعه ۶ دموکراسی، تساوی حقوق شهروندی، کثرت گرایی، حقوق بشر، قانون گذاری مدنی و دموکراتیک در کشور.

- ۵- حمایت از مساعی جامعه بین المللی در راستای بازسازی کشور اعم از اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و امنیتی .
- ۶- پشتیبانی از مبارزات سیاسی ، اجتماعی و صنفی اقشار مختلف مردم به خاطر بهبود شرایط زندگی و کار ، تأمینات مادی و اجتماعی آنان .
- ۷- پشتیبانی از تلاش ها به سود بازسازی اقتصادی از طریق سرمایه گذاری های دولتی ، مختلط و خصوصی اعم از داخلی و خارجی .
- ۸- مبارزه به خاطر فقرزدایی و از میان برداشتن شگاف های اجتماعی ، فاصله های فقر و ثروت از طریق توزیع عادلانه عواید ملی ، ایجاد سیستم بیمه های اجتماعی و تأمین عدالت اجتماعی.
- ۹- مبارزه به خاطر برابری ، حقوق زن و مرد به ویژه ایجاد فرصت های مناسب برای مشارکت گسترده زنان در مدیریت سیاسی و اقتصادی کشور .

اشتراک کننده گان همایش با توافق نظربدین باوراند که وظایف تاخیرنا پذیرفوق تنها در صورتی عملا تحقق یافته میتواند که نیروهای ملی ، دموکرات و ترقی خواه کشور متحدانه در وضعیت سیاسی کشور حضور داشته باشند .

بنابراین ، این ضرورت ملی به میان می آید که نیروهای متذکره در یک گفتمان وسیع میهنی اشتراک جویند و رسالت خویش را متحدانه در برابر مردم ازاده و میهن عزیز و باستانی ما افغانستان در این مرحله ع حساس تاریخی ادا نمایند.

ومن الله التوفيق

به حزب محبوبم نهضت فراگیر به مناسبت همایش

شهبانوی گلها

تو بر اوج ستیغ هستی ام جا کرده ای دایم
و با انوار گرمت کالبدم را زنده گی بخشی
تو ای خورشید زیبا یم
تو ای ولا ترین الهام عشق من
تو ای الهام شعر من
سرود من
صدای من

ز تو باشد بقای من

تو ای شهبانوی گلها

نجیب الله "قیوم"

تو ای شهبانوی گل‌های این بستان
که هیچ گلی را همچون تو بقای نیست
و رنگ اتشینت می‌دهد رنگی
به گل‌های که نگرقتست نور افتابش را
توی زیبای زیبایان"

تو بر اوجی
تو بر اوجی و نامت نیز عروج بیکران دارد
و من اینجا:
و من اینجا ز الهام تو ای شهبانوی گل‌ها
ز قلبم گوهری چینم
و طوق گردن زیبای تو سازم

فشرده از سخنرانیهای اشتراک‌کنندگان همایش

بیانیه محترمه نفس جهاد:
دانشمندان محترم، متفکرین ارجمند، شرکت‌کننده‌گان معظم همایش ارزشمند!

باورمندم که مباحثات و گفت‌وگوهای سازنده امروزی پیرامون مشکلات اساسی ملت، پروسه سیاسی تحلیل وضع کنونی و ضرورت حضور متحدانه و موثر نیروهای ملی، دموکرات و ترقیخواه در وضعیت سیاسی و چگونگی حل معضلات کشور، بالای روند اقدامات دموکراتیک به سود جامعه اثرگذار خواهد بود. چه خوش‌گفت گلدوکن خطاب به سقراط حکیم که "ای سقراط! برای مردم فرزانه مباحثه حدی بجز پایان زندگی ندارد."

بدون شک مسایل مورد بحث در همایش امروزی با جستجوی راه‌حل‌ها همراه خواهد بود و آنچه بیش از همه دلچسپی خواهد داشت، مشکلات و چالش‌های اند



که سراسر زندگی مردم مستضعف ما را فرا گرفته است. با این اعتقاد که این همایش معرف اندیشه و خرد جمعی است و روشنفکران به مثابه مغز متفکر جامعه، برای مشکل اساسی راه‌حل اساسی را منطقی می‌پندارند، همین اکنون جهان، جامعه، مردم فقیر و زحمتکش وطن، صفوف پاکیزه جنبش ترقیخواهان کشور، نیروهای دموکرات، تجددگرا و عدالتخواه، حلقات روشنفکری، در مجموع به اندیشمندان رسالت‌مند که در زیر این سقف گردهم آمده‌اند، چشم امید دوخته و شدیداً انتظار دارند که نتایج این مباحثات سازنده در بهبود وضعیت زندگی ملت، کاهش فقر و بیکاری، ناامنی و بی‌ثباتی اثر بخش واقع گردد و زمینه‌های مساعد را برای عملکردهای هدفمند چون سنگر یکپارچه نیرومند در جهت نجات ملت از وضعیت نا‌هنجار کنونی، فراهم سازد، چونکه وحدت نیروهای دموکرات و عدالتخواه از پیش شرط بنیادین دموکراتیزه کردن وضع اجتماعی است. هرچند، فرصت‌های از دست رفته است، اما هنوز هم دیر نشده که برای ادای حق توده‌های میلیونی کشور هدفمندان و

صادقانه برنامه ریزی گردد. در غیر اینصورت نه تنها مدیون ملت خواهیم ماند، بلکه در پیشگاه نسل های آینده نیز ملامتی از آن ما خواهد بود.

روپهمرفته، مباحثات همایش بیشترین روی مشکلات و معضلات آسیب پذیرترین لایه ها، اقشار، و طبقات جامعه متمرکز خواهد بود. با در نظر داشت این امر که جامعه متشکل از زن و مرد است و ناهنجاری، هر دو گروه بزرگ اجتماعی را مساویانه تهدید میکند، دقیقاً در صورت حل مشکلات اساسی و تأمین عدالت اجتماعی زن و مرد در صلح و باهمی زیست نموده، احترام متقابل میان افراد مستقر جامعه و تبعیض به مفهوم واقعی کلمه وجود نخواهد داشت. ما را عقیده بر آن است که برتری هر انسان در کارایی اجتماعی و بهخواهی اجتماعی او متباز است، نباید زن در مقابل با مرد قرار داشته باشد و یا مرد به سبب مرد بودنش بر زن برتری. هدف فعالیت های مدافعان حقوق زن فقط رهایی زن نیست بلکه این فعالیت وسیله ای است برای اصلاحات اجتماعی در جامعه و ترقی و پیشرفت کشور ضرور پنداشته میشود که برای فراهم سازی وسایل جامعه دموکراتیک و مدنی، مرفه و عادلانه، با ثبات و صلح آمیز، خرد و تجربه را به کار بست و این امر مستلزم مبارزه مشترک زن و مرد است. آنچه برای زنان بیشتر نگران کننده است، اعمال تبعیض آمیزی است که صفات ذاتی، استعداد و توانایی او را زیر سؤال برده است. حضور زنان در آفرینش های فکری، فرهنگی، خدماتی، اجتماعی و خانوادگی با صفا و سلامت پاکی و صداقت فضای جامعه را انباشته است، اما وضعیت زنان محصول مزاج سیاسی حاکمان، ذهنیت ها و شرایط اجتماعی است. عقب ماندگی جامعه از یکسو، عرف و فرهنگ مسلط توأم با عدم حمایت مسؤلانه از حقوق مدنی زن از سوی دیگر شدیداً بر نگرش و باورهای انسان ها نسبت به هنجار های اجتماعی از جمله مسأله تبعیض در جنیست را تأثیرگذار بوده است. بر اساس تحقیقاتیکه در جوامع بشری صورت گرفته در هر گوشه جهان و در هر سیستم اجتماعی که در آن برخورد متفاوت، ترجیحی یا تبعیض آمیز نسبت به زنان اعمال شده، مقاومت ها بصورت سازمان یافته و گسترده شکل گرفته است. برای وضاحت این مسأله که ستم و تبعیض علیه زنان در افغانستان چه ابعادی دارد و میزان قربانی های زنان ناشی از عدم حمایت و مواظبت از ایشان به کدام پیمانانه کافی است بدانیم که:.

- اسناد منتشر شده رسمی میزان مرگ و میر مادران افغان را به اثر بارداری در هر سی دقیقه یک مادر یعنی از هر هزار زن ۱۶ زن وانمود کرده است. و این در حالی است که مرگ هزاران مادر روستایی در هیچ شفاخانه و مرکز صحتی ثبت نشده است.
- حدود یک میلیون زن بیوه و بی سرپرست در بی نانی، بیکاری، و بی خانگی بسر میبرند.
- تنها در سال جاری بیش از هزار مورد خشونت ثبت و هزاران دیگر بدون ثبت باقیمانده اند. موارد این خشونت ها قتل زنان، خودکشی، خودسوزی و فرار از منزل بوده اند.
- ۶۰ تا ۸۰ فیصد ازدواج های اجباری.
- ۵۷ فیصد دختران قبل از رسیدن به سن ۱۶ سالگی (مطابق قانون مدنی افغانستان سن قانونی ازدواج دختران تعیین شده است) مجبور به ازدواج شده اند.
- از جمله ۲,۵ میلیون مهاجر برگشته بوطن (عودت کننده ها) ۴۷ فیصد آنها زنان تشکیل میدهند و بهمین ترتیب ۶۵ فیصد بیجا شده گان داخلی زنان و اطفال اند که در بدترین وضعیت قرار دارند.
- زنان فاقد توانایی رهبری و اداره وانمود شده اند که به این دلیل یک وزارت به نام زنان مسمی گردیده و یک والی زن، برخورد نمادین دولت را وضاحت میدهد.
- زنان که ۲۵ فیصد ترکیب پارلمان را تشکیل میدهند تا هنوز فرصت نیافته اند که قوانین حمایت از خانواده و محاکم فامیلی را تصویب نمایند و استقرار حمایه قانونی از حقوق زنان را پیگیری کنند.
- بیکاری ۹۸ فیصد زنان کشور را احتوا کرده است.
- عدم حضور فعال زن در عرصه های مختلف جامعه در واقع نیم پیکرهء اجتماع را فلج ساخته است.

حساسیت، گسترده‌گی و عمیق بودن مشکلات مستلزم اتخاذ تمام تدابیر مناسب جهت بهبود وضعیت است. تبعیض، خشونت و بی توجهی به نقش، خصوصیت، شخصیت و قدرت زن در محیط خانواده شروع و الی دایره بزرگ سیاسی و اجتماعی گسترش میابد.

نقش کم‌رنگ زن در جامعه معرف صفات مشخصه و ذاتی او نیست، بلکه این امر مبین سطح ناموزون تربیت، برخورد‌های متفاوت غیر منصفانه و تبعیض آمیز و عدم توجه و مواظبت از زنان است، ابزار شمردن زن هم طبیعی نیست بلکه این تفاوت‌ها در اجتماع بوجود می آیند و رشد میابند. شخصیت چند بُعدی و صفات مشخصه ذاتی متمایز و احیاناً برتر زنان در تحمل جسورانه مشقات، دشواریها، فشارها و مقاومت و مجادله علیه آنست که با پرورش این صفات به طور جمعی نه تنها زندگی زنان، بلکه کل جامعه روبه بهبود خواهد گذاشت.

تاریخ مبارزات عدالت خواهانه، حق جویانه و محرومیت زدایانه زنان را بخاطر دارد که در نتیجه آن زن بحیث انسان حضور میابد و برای دست یافتن به حقوق انسانی خود به پیکار جانسوز میپردازد که تا امروز ادامه دارد. تاریخ و اساطیر ملل زنانی را (علی الرغم مظالم در جهت زدودن نام و کارنامه هایشان) بیاد دارد که درست در بسا موارد فردیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی معادل ابرمردان تاریخ داشته اند.

در افغانستان، کشور عزیز ما حرکت های آشکار بخاطر احقاق حقوق زنان جسورانه انجام یافته است، جنبش دموکراتیک زنان کشور کارنامه های ماندگار از خود بجا گذاشته است. حرکت زنان نامور افغان صرفاً یک مُد اجتماعی و مردستیز نبوده بلکه با اهداف مترقی و بالنده عجین بوده بارویکردهای نوگرایانه و سیاست های تجدد طلبانه آهنگ رفتن به جامعه دموکراتیک و مدنی و مرفه و عادلانه و احترام به مقام انسان را بهمراه داشت، که در حد وسیع موجی را ایجاد نمود.

امروزه، زنان رنجور و آسیب دیده کشور با گزینش این امر که ولو حجم مشکلات و ناهنجاری ها بازهم ابعاد بیشتر کسب کند مانعی بر سر راه هم آهنگی و هم آینده انان شده نمیتواند، در جهت بازتاب نقش، تثبیت توانمندی و احراز موقعیت اجتماعی خویش دلیرانه میرزمند و با حفظ ارزش های مقدس اخلاقی جایگاه خود را در صفوف مبارزات عادلانه و دموکراتیک مردم افغانستان در می یابند و با اتکا به حرکت های صلح جویانه و عدالت خواهانه اش شامل جنبش دموکراتیک و ترقیخواهانه کشور در محور تجدد گرایی عرض اندام میکند. چه زنان نه تنها خود میرزمند و در راستای نیل به رفاه ملت و شگوفایی کشور دشواری ها را با خردمندی و شکیبایی طی میکنند بلکه نقش اثر گذار خود را در روند مبارزات دموکراتیک و عدالتخواهانه نیز بجا میگذارند.

مسلماً برنامه ریزی راهنمایی و راهگشایی موثر جهت بهبود وضع زنان، نه تنها از جمله عوامل تعیین کننده در حقوق زنان است، بلکه بهبودی وضعیت کل جامعه را بهمراه دارد. از این جهت است که توجه همایش بزرگ امروزی به این امر مهم معطوف گردید. به همین گونه زندگی زنان از حیات کل جامعه متأثر است، حل مشکلات اساسی کشور و دریافت منطقی ترین راه بدین منظور، زندگی خوشبخت را به همه گان ارمغان دارد. به این امید که تصامیم همایش حاضر اثرات مفید و قابل لمس را در حیات جامعه بجا گذارد و اتحاد نیروهای دموکرات و ترقیخواه حرکت های انساندوستانه و وطنپرستانه را تحریک جدید بخشد به کار همایش پیروزی آرزو میبرم.

متن بیانیه محترمه مسعوده جلال وزیر پیشین وزارت امور زنان

هموطنان گرامی، روشنفکران، مهمانان، خاتما و آقایان! اجازه دهید قبل از هر گفتن، بهترین سلامها و احترامات قلبی خویش را حضور یکایک شما، از طریق شما به خانواده هایی محترم و مردم شریف، قدرشناس، رنج کشیده و عذاب دیده افغانستان تقدیم نمایم. پروردگار عالمیان را سپاسگذارم که امروز در میان نخبه ها و روشنفکران متعهد که مسؤلیت تاریخی، ملی و کشوری دارند حق اشتراک پیدا نموده ام.

با توجه به اصل که از اجداد و نیاکان ما و شما به میراث مانده است با توجه بر پیچیده گی اوضاع ملی، منطقی و جهانی که روز به روز بر بگرنج شدن اوضاع داخلی کشور مان می افزاید و شیرازه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امور امنیتی و دفاعی در حال از هم پاشیدن است. و رنج های تازه به استقبال هموطنان عذاب دیده می آید ... از همه ما و شما، از همه تحصیل یافتگان و روشنفکران پاک ضمیر و با وجدان در هر جایی که هستیم می طلبد که بر وضع موجوده افغانستان توجه ویژه نماییم. فکر مشترک نماییم، خوش بختی و سعادت ما و شما مشترک است.



اگر بتاریخ سیاسی و تاریخ جغرافیای این سرزمین نظر اندازیم، به سادگی در می یابیم که تاریخ این جغرافیا با جذر و مد یکجا بوده، گرچه اقتصاد قدرتمند نداشته است اما دارای اهمیت جغرافیایی میباشد. روزگاری یکی از حوزه های علمی، فرهنگی و تمدن جهان بوده است. این سرزمین مرکز انتقال و تبادل فرهنگ و مدنیت های مادی و معنوی شرق و غرب، خاور زمین و باختر زمین بوده، خطه ابریشم در امتداد تاریخ از اهمیت زیادی برخوردار می باشد که بر عظمت و تاریخ شکوهمند این جغرافیا افزوده است.

این خطه باستانی با وجود تاریخ شکوهمند، پر درخشش و باعظمت خویش بار بار اسیر تاریکی، جهل، فقر و محرومیت، مظلومیت و محکومیت قرار گرفته، در فقدان سعادت، خوشبختی، بهتر زیستن و رفاه اجتماعی، نبود قانون محوری، حاکمیت قانون، نبود اقتصاد انسان محوری، نبود دموکراسی و عدالت بسر برده است. مردمان این سرزمین سالیان متمادی در عقب ماندگی محکوم به اطاعت از زمامداران خود خواه و جاه طلب و ظالم بوده اند.

بزرگترین بلا و مصیبت در این کشور نبود دولتمردان ملی آگاه و دانا که صلاحیت فکری و رهبری کشور را داشته باشند همچنان نبود نظریات و عقاید کشور شمول و نبود احزاب ملی و سراسری بوده است. نبود فکر بزرگ ملی و سراسری مانع انجام فعالیت های بزرگ ملی گردیده است. گروه گرایی، فرقه بازی قوم پرستی و سمت گرایی دانه های سرطانی اند که وحدت ملی و وحدت سیاسی کشور را خدشه دار ساخته است. بعد از چند سال جنگ و خونریزی مردم افغانستان انتظار داشتند و بی صبرانه آرزوی صلح سرتاسری و امنیت باثبات را می کشیدند، توقع داشتند که صفحه جدیدی در زندگی شان بوجود خواهد آمد. بخصوص بعد از کنفرانس بن توجه جامعه جهانی به افغانستان. هر افغان در هر جای که بود و باش میکرد با دل شاد آرزوی بازگشت به وطن را داشتند و لحظه شماری میکردند.

اما چه شد که این همه آرزوها به یأس و نا امیدی تبدیل گردید در زمان کوتاه فضای افغانستان را نا امیدی و یأس فرا گرفت ابرهای نا امیدی در فضای روشن افغانستان سایه افگند و تاریکی مستولی گردید نه تنها افغان ها را بلکه جامعه جهانی و سازمان ملل متحد را نیز متأثر ساخته است به هیچ وجه علاقمندی جامعه جهانی، کشور های کمک کننده به همان شکل روزها و سال های اول بعد از کنفرانس بن باقی نمانده است. دنیا دیگر به بازسازی نوسازی و اعمار مجدد افغانستان مانند گذشته ها علاقمند نیست چرا و چگونه افغانستان در موجودیت یک مدیریت ضعیف چنین شانس طلایی را در حال از دست دادن است مسؤل این وضع چه کسانی هستند چه کسی آماده پذیرش این برباد رفتگی ها است در حالیکه اوضاع به بن بست میگرداید مسؤلیت دولتمردان افغانستان در قبال وضع کاملاً روشن و الظهر و من الشمس است.

آقایان میکوشند با حيله های جدید و بهانه های مختلف عیوب خود را بپوشانند عکس العمل جامعه جهانی به خصوص سازمان ملل متحد در قبال چالش ها بویژه زرع، تولید و ترافیک مواد مخدره وحشت روز افزون

فساد اداری تکان دهنده است. افکار عامه مخالف آن چیز نیست که صورت میگیرد با تأسف هیچ مرجع مسؤل وجود ندارد که به افکار عامه، به نظریات، پیشنهادات و به گریه و ناله مردم گوش فرا دهد. سوال اساسی اینجاست که آیا واقعاً برای استحکام امنیت سراسری و صلح پایدار در کشور توافقات بن به صورت قدم به قدم بدون کم و کاست در وقت معینه و زمان مشخص انجام یافته است یا چگونه؟ به باور کارشناسان و تحلیل گران امور افغانستان بر آنست که هر گاه توافقات بن به موقع مطابق جدول زمانی اجراء میشد مصالحه ملی شعار اساسی دولت را تشکیل میداد. کار به اهل آن سپرده میشد مسأله شایسته سالاری در دستور روز قرار میگرفت. حوادث و رویدادهای اخیر هرگز به استقبال مردم رنج کشیده افغانستان نمی آمد و بد امنی بار دیگر زندگی مردم را به مخاطره نمی انداخت. این صحیح است که اهمیت هر موضوع در زمانش درک شود. در واقع وظایف اداره موقت به دوره انتقالی و از انتقالی به مرحله حکومت منتخب و از حکومت منتخب دوباره به دوره حکومت انتقالی سپرده خواهد شد. مردم افغانستان شاهد اجراء ناقص و معامله گری ها بودند که وضع را بدینجا کشاند.

حقیقت آنست که برنامه جمع آوری سلاح و حکومت ملکی سازی بصورت هماهنگ و جدی صورت نگرفت. پروسه خلع سلاح به صورت موزون در تمام ولایات کشور شمال و جنوب، شرق و غرب و مرکز صورت نگرفت. جمعآوری سلاح به حرکات مقطعی و فصلی انجامید. جلو قاچاق اسلحه به کشور گرفته نشد. قاچاق اسلحه، قاچاق اطفال، قاچاق مواد مخدره، قاچاق زنان جریان های میباشند که امنیت کشور را برهم زده حیثیت افغانستان را زیر سؤال جدی قرار داده است.

در واقع گسترش مواد مخدره آبرو و حیثیت افغانستان را ریختانده است. مبارزه علیه مواد مخدره شامل یک برنامه ملی نمی باشد. سازمان ملل متحد از زرع، تولید و ترافیک مواد مخدره و گسترش آن نگران میباشد. علت ناکامی آن مشارکت قاچاقچیان اصلی و چماق بدستان زورمند می باشد سازمان ملل متحد را عقیده بر آنست در پشت این هیولای بزرگ و تباه کننده صحت و سلامتی افراد بشرکسانی قرار دارند که از زور دولتی برخوردار میباشند. و علت ناکامی مبارزه علیه مواد مخدره هم همین است.

برنامه اصلاحات به صورت کل به خصوص اصلاحات اداری، اصلاحات قضایی عدل و حارنوالی و رعایت حقوق بشر و حقوق اساسی شهروندان به بی میلی و عدم علاقه تصمیم گیرنده گان قدرت دولتی همراه می باشند. آنان اهمیت اصلاحات را در موقع معیین کمتر درک نمودند و کمتر اشخاص لایق و تحصیل یافته را فرصت دادند کوشش ها در جهت تأمین امنیت و صلح پایدار قناعت بخش نبوده کاری نکردند که مردمان افغانستان از شعار های دیگران پیروی نکنند به رفاه اجتماعی کوچکترین توجه صورت نگرفته است وقتی به قندهار، هلمند، زابل، خوست، پکتیا و پکتیکا و کنرها توجه نمودند که گپ از گپ گذشته است.

داروی بعد از مرگ سهراب، کوشش های لازم در جهت تامین وحدت ملی و وحدت سیاسی کشور به هدف ایجاد ملت واحد و کشور واحد صورت نگرفته است. قدم های بزرگ و اساسی در این زمینه برداشته نشده است. ما شاهد نقض آشکار قانون اساسی میباشیم ما شاهد توهین، تحقیر و شکنجه کسانی هستیم که دنباله رو سیاست های شکست خورده آقایان نمی باشد. میکوشند با استفاده از قدرت دولتی مخالفین خویشرا تهدید، مجبور به اطاعت و به انزوای مطلق بکشانند میخواهند انگیزه انتقاد که محرک اساسی مبارزه روشنفکران است نابود سازند در این روز ها کشمکش و تضاد پارلمان و ریاست جمهوری گواه بحران دولتی است که نه تنها در بیرون بلکه در داخل نظام بر سر قدرت کشمکش جریان دارد. کارها بدون مشوره پارلمان، بدون مشوره ستره محکمه، بدون مشوره رهبران احزاب سیاسی و جامعه مدنی دور از انظار عامه بدون توجه به منافع ملی صورت میگیرد در این روزها به هدف تداوم قدرت فردی خویش بار دیگر معامله میکنند معامله این وطن را خراب ساخته است حفظ جان، مال، حیثیت و آبروی افراد و خانواده ها که رکن اساسی جامعه را تشکیل میدهد از گوشه و کنار کشور مسأله اختطاف ها در دستور روز قرار گرفته است. دزدان اصلی و اختطاف چیان نقاب پوش که رهبری و سازمان جمعی آنها به عهده دارند مورد تعقیب قرار نمی گیرند و اشخاص تصادفی مورد تعقیب عدلی و سارنوالی قرار گرفته اکثریت محاکمات بدون وکیل مدافع بدون رعایت حقوق بشری صورت میگیرد در زندان ها حقوق بشر وجود ندارد. وضع در جامعه بدتر از زندان ها است و یک زندان کوچک

است و این یک زندان باز و بزرگ. اطفال یکجا با مادران دور از خدمات صحی، تعلیمی و تربیتی مانند مادران خویش زندانی اند. در همه جاتفنگ حکومت میکند تفنگ تصمیم میگیرد رهبری از آن تفنگ است. و در بعضی جاهای دیگر عرف به قانون میچربدو دولت قادر به تطبیق قانون نیست. رشوه، واسطه بازی، و زور گویی بیداد میکند بمثابة یک مشکل اجتماعی آبرو و حیثیت کشور را ریختانده اند. نه تنها افغان ها بلکه جامعه جهانی و سازمان ملل متحد از این وضع ناراض اند همه جا نارضایتی سایه افکنده است آیا تدابیری وجود دارد که راه خونریزی و جنگ ها گرفته شود؟ یا این جنگ ها و خونریزی ها به تمام گوشه های افغانستان کشانیده خواهد شد این وضع به کجا خواهد انجامید کشور به یک جنگ داخلی روبرو خواهد شد آیا جنگ در یک شب خاموش خواهد شد راه حل چگونه جستجو میگردد؟

آیا در وجود زعامت موجوده میتوان امید برای فردا یافت و یا خدا نخواستہ فردای وجود ندارد با توجه به این گردهمایی بزرگ روشنفکری انشا الله فردا های وجود دارد مردم افغانستان دنبال خدمتگاران اصلی خویش قرار خواهند گرفت و از حقیقت پشتیبانی خواهند کرد و حقیقت پیروز خواهد شد.

وقت آن فرا رسیده است که با توجه به مشکلات گوناگون کشور روشنفکران و نخبه گان و احزاب سیاسی باهم تفاهم نمایند و در یک صف واحد قرار گیرند و از یک برنامه واحد پیروی نمایند پراگندگی احزاب سیاسی که دارای برنامه مشترک و تقریباً پالیسی و استراتژی واحد اند به نفع دیگران بوده جریانات سیاسی را کم زور و از قدرت واقعی آنها در صحنه سیاست افغانستان می کاهد. جای دارد به چند مسأله عطف توجه صورت گیرد:

۱. برای تحقق همه جانبه مصالحه ملی و مشارکت شخصیت های ملی، نماینده گان احزاب و جامعه مدنی کنفرانس بین المللی مشابه به کنفرانس بن در داخل و یا در یکی از کشور های بیطرف تدویر یابد.

۲. قبل از تدویر کنفرانس با مراجعه به آرای مردم از مردم پرسیده شود که راه حل مشکلات کنونی افغانستان چگونه است این مهم است که در حل قضایای افغانستان به مردم افغانستان حق داده شود هیچ گروه سیاسی یا تنظیم سیاسی به جای مردم افغانستان حق نمایندگی و حق صحبت و تصمیم گیری را ندارد. این مردم هستند که خود تصمیم میگیرند. اشتباه و کمبودی کنفرانس بن در آن بود که به مردم مراجعه صورت نگرفت بدون توجه به نظریات مردم هرگونه تصمیم گیری تکرار اشتباهات قبلی است.

۳. با توجه به اصل منافع ملی تقسیم قدرت طوری صورت گیرد که راه را برای ایجاد یک افغانستان متحد و یکپارچه باز نماید تقسیم قدرت بر اساس که امروز استوار است به هیچ وجه برای مردم افغانستان قابل قبول نبوده و به هیچ وجه به پروسه حل مسایل سیاسی و حل قضایای اجتماعی کمک نمیکند کسانی بر مسند قومیت در قدرت سیاسی مشارکت دارند که در میان قوم خویش جای پا و موقف چندان زیبایی ندارند این کارها که اساس آنرا معامله گری تشکیل میدهد مانع تحقق پروسه وحدت ملی وحدت سیاسی کشور و مانع ایجاد یک افغانستان واحد و یکپارچه و سربلند میگردد. بهتر است اصل شایسته سالاری و تخصص در مشارکت قدرت در نظر گرفته شود و افغانستان بیش از هر وقت دیگر به نیروی تخصص، لیاقت و شایسته سالاری نیازمند است.

۴. اوضاع و احوال کنونی از همه فرزندان واقعی و سالم کشور می طلبد هرچه عاجلتر به اختلافات سلیقوی خویش پایان بخشیده دور یک محور واحد ملی بسیج و یکپارچه شویم بخصوص احزاب و سازمان های اجتماعی که تقریباً برنامه مشابه دارند. این از جمله مطالب اساسی زمان ما را تشکیل میدهد. از این بیش فرصت های طلایی را از دست نداده برای ایجاد یک پلاتفورم واحد و تداوم مذاکرات کمیته از نخبه گان تشکیل و راه مذاکره با تمام گروه های سیاسی، شخصیت های مستقل نهاد های جامعه مدنی هموار و سازماندهی گردد تا بمثابة یک قدرت سیاسی در تحولات اجتماعی و سیاسی آینده افغانستان نقش خود را بازی نموده باشیم.

درس "گلزاد مارکیت اتاق ۱۴۸ تیلیفون ۰۷۵۲۰۳۱۷۲۲"